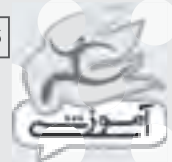


# اندریشه‌ی تربیتی بازی‌های المپیک

نویسنده: پروفسور مایکل کراگر، آلمان | ترجمه‌ی: غلامرضا سراج‌زاده و ماندانا آجودان گرکانی



کشور میزبان در برگزاری این رویداد، هنر و فرهنگ کشورشان را به نمایش می‌گذارند و «کمیته‌ی ملی المپیک» هر کشوری نیز با پرچم و سرود ملی خود شناخته و معرفی می‌شود. در طول برگزاری مراسم معرفی، قهرمانان پیروز مدال‌هایشان را دریافت می‌کنند و به افتخار پیروزی آن‌ها سرود ملی کشورشان نواخته می‌شود. این‌ها بخش کوچکی از مراسم و آیین‌های رسمی این رویداد است. کوبرتن، بنیانگذار بازی‌های المپیک نوین، به ریتم پایدار و منظم بازی‌ها اهمیت خاصی می‌داد. زیرا او می‌خواست همه‌ی نسل‌های جدید بتوانند به روش‌های نو و با انواع ورزش‌های جدید، در المپیک شرکت کنند و، هم‌چنین، مراسم گشایش بازی‌های المپیک را مراسم تجلیل از جایگاه نسل جدید می‌دانست، زیرا می‌دانست که آینده‌ی بشر به نسل جوان بستگی دارد. بازی‌های المپیک و ورزش المپیک، مظهر این حقیقت است که شهامت و انرژی جوانی همراه با امید به پیروزی می‌تواند آینده را در دست بگیرد. ورزشکاران المپیک نمونه‌های رفتاری کاملی برای رسیدن به این هدف ارائه می‌دهند.

## پیل‌المپیک

آوری براندج<sup>۲</sup> رئیس کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، در مراسم تدفین قربانیان ترور در مونیخ (۱۹۷۲)، این جمله‌ی مشهور و بحث‌برانگیز را بیان کرد که «بازی‌ها باید ادامه یابد». این جمله را می‌توان براساس نظر ویلی دام تفسیر کرد که گفت ادامه‌ی بازی‌ها یک ضرورت بوده و هنوز هم هست، و گفت: «اجرای بازی‌ها از تفکر المپیک مهم‌تر است»، زیرا بدون انجام بازی‌ها،

«اجرای بازی‌ها مهم‌تر از تفکر المپیک است، همان‌طور که صدای عملکردها از صدای واژه‌ها بلندتر است» این جمله، سخنی از ویلی دام است. فیلسوف‌ها و صاحب‌نظران علم آموزش و پرورش از سرتاسر جهان، تفسیرهای گوناگونی از تفکر المپیک ارائه کرده‌اند؛ تفسیرهایی که اندک تفاوتی با یکدیگر دارند البته در همه‌ی تفسیرها، پیام اصلی بازی‌ها و انجام آن‌ها مطرح شده است، چه زبان بازی و زبان ورزش، جهانی و بین‌المللی است و برای کسانی که حتی یک خط درباره‌ی تفکر المپیک نخوانده و سخنی در مورد المپیزم نشنیده‌اند نیز قابل درک است.

همه‌ی کسانی که بازی‌ها را تماشا می‌کنند یا در ورزشگاه‌ها حضور می‌یابند و با مشاهده‌ی بازی‌ها به شوق می‌آیند، نیز افرادی که ورزشکار المپیک را الگوی خود قرار می‌دهند، ورزش می‌کنند و می‌خواهند براساس آرمان‌های المپیک در خارج از دنیای ورزش به فعالیت بپردازند، همگی از این بازی‌ها در سه جنبه الهام می‌گیرند: تمایل به تلاش فردی، تمایل به پیشرفت، و رفتار منصفانه با دیگران.

یکی از پیام‌های المپیک این است که «به همه باید فرصت داد، و نه فقط کسانی را که از قوانین پیروی می‌کنند به شمار آورد.»

انتشار این پیام و عینیت یافتن آن به وسیله‌ی بازی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. بازی‌های المپیک همواره با مراسم باشکوهی گشایش یافته و پایان می‌یابند. برگزاری این رویدادها با انجام کارهای هنری، موسیقی، تحرک‌بخش، حرکات موزون و صحنه‌آرایی همراه است. بویژه که هنرمندان سرشناس

درک پیام المپیک امکان ندارد. در متن این سخن یک پیام آموزشی یا پداگوژیک نهفته است. به عبارت دیگر، با همه‌ی این تفاسیر می‌توان بازی‌های المپیک را حداقل به نظر کوبرتن - یک رویداد آموزشی به شمار آورد.

جانشینان کوبرتن نیز، از جمله رؤسای کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، تا خوان آنتونیو سامارانش<sup>۲</sup> و ژاک روگ<sup>۳</sup> همگی دیدگاه وی را مورد حمایت قرار داده‌اند. در مقدمه‌ی منشور المپیک - نسخه‌ای که در کنفرانس المپیک پاریس، ۱۹۹۴، به تصویب رسید - بر جهت‌گیری آموزشی این بازی‌ها تأکید شد: «هدف از جنبش المپیک کمک به ساختن جهانی بهتر و صلح‌آمیز است، و این با آموزش جوانان از طریق ورزش، به‌دور از هر نوع تبعیض و مبتنی بر روح المپیک، که مستلزم درک متقابل، رفاقت، همبستگی و انجام بازی جوانمردانه است، امکان‌پذیر می‌باشد.»

علاوه بر این، سال‌های متمادی تلاش‌هایی به‌صورت سازمانی در راستای تثبیت المپیزم و آموزش المپیک، به‌عنوان هدف اصلی ورزش، انجام گرفته است.

پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۶۱، کارل دایم<sup>۴</sup> و جین کتسیز<sup>۵</sup> در شهر المپیا (یونان)، ساختمان آکادمی بین‌المللی را بنا نهادند. از آن زمان تا کنون، همایش‌های سالانه و کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با حضور ورزشکاران، دانشجویان علوم ورزشی و نمایندگان ورزش‌های المپیک از سرتاسر جهان در این محل برگزار می‌شود. هدف اصلی آکادمی بین‌المللی المپیک، همان‌طور که کارل دایم آن را «دانشگاه المپیزم» نامید و از سوی کمیته‌ی بین‌المللی المپیک و کمیته‌ی ملی المپیک یونان نیز تأیید و حمایت شد، **مطالعه، غنی‌سازی و ترویج المپیزم** است.

امروزه، آکادمی‌های ملی المپیک نیز، در سراسر جهان تأسیس شده و هر کشوری دارای کمیته‌ی ملی المپیک است. این آکادمی‌ها، اهداف و آرمان‌های المپیزم را در کشورشان رواج داده و سعی می‌کنند که آن‌ها را به‌صورت مفاهیم

آموزشی و پرورشی در قالب درس‌های تربیت‌بدنی مدارس و موضوعات درسی دیگر انتقال دهند. با وجود همه‌ی اختلاف‌هایی که در توصیف کشورهای مختلف جهان از آموزش المپیزم و المپیک مطرح شده، که البته همگی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، ناحیه‌ای، ملی و شرایط اجتماعی مختلف کشورهای جهان است، دریافت واحدی از آموزش المپیک در آکادمی بین‌المللی المپیک وجود دارد؛ به این معنا که هدف از بازی‌های المپیک و ورزش المپیک به‌طور کلی، تقویت، ترویج و حمایت از مردم همه‌ی جهان، بدون توجه به نژاد، مذهب و جنسیت است و نه فقط تعداد انگشت شماری از ورزشکاران برجسته، بلکه هر کس که برای

آموزش المپیکی، مفهومی نوین و تخصصی از آموزش یا پرورش اجتماعی، یعنی پیروی داوطلبانه از اجرای قوانین، هنجارها و اصول و نیز حرکت از قوانین نوشتاری رقابت‌های ورزشی به سوی اصول برابری، دوستی و تواضع در رویارویی با پیروزی یا شکست را دربر گرفته است

بهبود عملکرد خود در رشته‌ی ورزشی تلاش می‌کند، پیرو باورهای اساسی المپیزم است. از این طریق هر ورزشکار می‌تواند شخصیت و قابلیت‌های خود را تکامل بخشد. ورزشکاران باید از نظر آمادگی جسمانی و مهارت‌های اجتماعی، چه پیش از رقابت‌ها، چه در حین رقابت‌ها و چه پس از آن‌ها، الگوی جامعه‌ی خود باشند.

ورزش و رقابت‌های ورزشی با تکامل قابلیت‌های انسانی و مهارت‌های اجتماعی از جمله، دوستی، صبر و پایداری، احترام دو جانبه و توانایی حفظ آرامش و صلح، رابطه‌ای نزدیک دارد. به همین دلیل، تفکر المپیک و آرمان صلح المپیک همواره پس از کوبرتن معنی خود را حفظ کرده است

و آن کمک به ایجاد تفاهم بین انسان‌ها، مردم و ملت‌هاست.

اصطلاح «آموزش المپیک» خلاصه‌ای از انواع امکان‌ها و فرصت‌های آموزشی در ورزش است. این فرصت‌ها که با اخلاق ورزشی المپیک رابطه دارد، در هنگام ورزش کردن، همانند اصول نوشتاری و غیر نوشتاری آن، به منصفه‌ی ظهور می‌رسد. سه مؤلفه‌ی اصلی که حاصل کار کارشناسان متعدد در زمینه‌ی آموزش المپیک است، عبارتند از، **پرورش «خود»، اجرای روان و با نشاط و پرورش اجتماعی.**

### پوش «خود»

همان‌طور که اوموگروپ<sup>۶</sup>، صاحب‌نظر آلمانی تبار علم آموزش و پرورش، در توصیف ماهیت انسان شناختی رقابت در مسابقه‌های المپیک به آن می‌پردازد، در این بازی‌ها ابتدا «تمایل به بهتر بودن» و عشق به کمال مطرح است.

این هدف تنها درباره‌ی عملکرد خارق‌العاده‌ی برخی از ورزشکاران صدق نمی‌کند، بلکه می‌تواند آرمان مطلوب همه‌ی انسان‌ها باشد، خواه بتوانند به رکوردهای جهانی دست یابند یا نتوانند. آن‌چه به حساب می‌آید، «تمایل به بهتر بودن» و «خود» پروری است، حتی اگر در این راه موانع متعددی وجود داشته باشد.

ورزشکاران شرکت کننده در رقابت‌های پارالمپیک، که بلافاصله پس از بازی‌های رسمی، از سال ۱۹۹۲ و در شهر بارسلونا اجرا شد، با تأثیرگذارترین روش نشان می‌دهند که چگونه یک نفر می‌تواند با محدودیت‌های موجود مبارزه کند، محدودیت‌هایی که به‌صورت طبیعی، تصادفی و گاه بر اثر ابتلا به بیماری و حتی به دست تقدیر در مسیر حرکت آنان قرار گرفته است.

اهداف آموزش المپیک ریشه در تاریخ دارد، تفکر انسان‌گرایانه‌ی نوین یعنی «تعالی خویشتن»<sup>۸</sup> و «ساختن خود»<sup>۹</sup>، امروزه در قالب واژه‌هایی چون اراده‌ی فردی، تکامل شخصیت و رهایی از قید و بند های غیر انسانی مطرح می‌شود.

«تمایل به بهتر بودن» به معنای توجه به محدودیت‌ها و موانع موجود نیست، بلکه مبارزه برای ایجاد تغییر در همه‌ی زمینه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

تفکر پیشرفت و تکامل ورزش‌های نوین در این شعار المپیک: «تمایل به بهتر بودن» بیان می‌شود. البته این یک دیدگاه آموزشی است. هرچند، بیشتر خواستن گاه می‌تواند به قیمت از دست دادن سلامتی خود یا همراهان یا حتی سلامتی رقیب تمام شود. بنابراین، لازم است هر رقابتی بر اساس قوانین و هنجارهای انسانی و معقول انجام گیرد.

مبارزه برای بهتر بودن، ویژگی استثنایی ورزش المپیک است، حتی اگر به پایانی موفقیت‌آمیز منتهی نگردد. شخصیت حقیقی هر فرد در شرایط دشوار قابل رویت است. فردی که طبق قوانین

**مبارزه برای بهتر بودن، ویژگی استثنایی ورزش المپیک است، حتی اگر به پایانی موفقیت‌آمیز منتهی نگردد**

بازی کند، به حریفش فرصت مبارزه بدهد و در یک بازی جوانمردانه، خواه برود یا ببازد از قوانین نوشتاری پیروی کند، حقیقت روح المپیک را به نمایش گذاشته است. بنابراین، طبق گفته‌ی ویلهلم اشمیت<sup>۱</sup>، حوزه‌ی ورزش برای فرا گرفتن «هنر زندگی کردن» مناسب به‌نظر می‌رسد، زیرا نه فقط شکست خوردن و صدمه دیدن که بخش جدانشدنی زندگی انسانی است، بلکه برنده شدن، موفقیت و پیروزی را هم می‌توان تجربه کرد. در هیچ‌یک از بخش‌های زندگی صفاتی مانند، غرور، تفاخر یا تکبر، سریع‌تر از حوزه‌ی ورزش مورد سرزنش و ملامت قرار نمی‌گیرد.

## اجرای ژن و بانشاط

مورد دوم، حس تمرکز کامل و پر انرژی بر جریان حرکت و اجرای کامل و با حداکثر نشاط آن است. این مؤلفه از پداگوژی المپیک به مفاهیم آسیایی به‌ویژه فلسفه‌ی آموزش و پرورش ژاپن نزدیک است. اوتو فردریش بالنو<sup>۱۱</sup> فیلسوف و متخصص علم آموزش و پرورش آلمانی، که کارهایش در ژاپن مورد استقبال گسترده‌ای قرار گرفت، از «روح عمل»<sup>۱۲</sup> که نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و هنر ژاپنی دارد سخن می‌گوید. روح عمل را می‌توان در هنر تیراندازی با کمان، در آموختن زبان نوشتاری ژاپنی و همچنین در هنر گل‌آرایی نیز مشاهده نمود. ورزشکاران ژاپنی در بین ورزشکاران بسیار موفق جهان جایگاهی ندارند، اما در ورزش‌هایی مانند جودو و ژیمناستیک، بهترین عملکرد را ارائه می‌دهند و «روح ژاپنی» را، که سرشت عمومی ورزش‌های المپیک گردیده است، جلوه‌گر می‌سازند.

هر ورزشکاری که بخواهد خود را المپیکی بخواند، باید این نوع خاص عملکرد را بیاموزد. میهایلی چیک زلمیهالیل<sup>۱۳</sup>، روان‌شناس اجتماعی مجارستانی تبار آمریکایی، در نوشته‌هایش، «توجه کامل به یک فعالیت» را **تداوم حرکت** نامید. تداوم حرکت به آن‌چه فرد انجام می‌دهد یا نتیجه و حاصل کار بستگی ندارد، بلکه آن‌چه مهم است، برنامه‌ریزی اهداف واقع‌گرایانه و عزم راسخ برای دستیابی به

آن‌هاست و توان آن را از بازی‌های المپیک آموخت.

هر ورزشکاری که می‌خواهد موفق شود باید این کار را انجام دهد و گرنه شکست خواهد خورد. با وجود این نوع انگیزه‌ی درونی، منافع مالی رنگ‌باخته و در حاشیه قرار خواهد گرفت.

## پوش اجتمالی

آموزش المپیکی، مفهومی نوین و تخصصی از آموزش یا پرورش اجتماعی، یعنی پیروی داوطلبانه از اجرای قوانین، هنجارها و اصول و نیز حرکت از قوانین نوشتاری رقابت‌های ورزشی به سوی اصول برابری، دوستی و تواضع در رویارویی با پیروزی یا شکست را دربر گرفته است. برای زندگی در یک جامعه‌ی مردم‌سالار،



این بازی‌ها در جهان، توسعه یافتن آن‌هاست. البته، بین این نکته و عقیده‌ی مهم‌ترین صاحب‌نظر آموزش و علوم اجتماعی - روان‌شناس سوئدی - ژان پیاژه<sup>۱۴</sup> ارتباط نزدیکی وجود دارد. وی معتقد بود که پداگوژی نوین و پیشرفته باید بتواند کودکان و نوجوانان را برای یک زندگی جهانی آماده سازد به طوری که بتواند در کنار یک‌دیگر رشد یابند یا به زبان امروز، جهانی رشد کنند.

«آموزش صلح» به‌طور خودبه‌خود انجام نمی‌گیرد، بلکه بر اساس علم روان‌شناسی اتفاق می‌افتد به عقیده‌ی پیاژه لازم است روند تکاملی کودکان و نوجوانان به‌طور طبیعی طی شود، ولی این روند زمانی با موفقیت طی خواهد شد که بر خودبینی نیمه‌ذاتی<sup>۱۵</sup> یا خودمداری<sup>۱۶</sup> کودکان یا به‌طور کلی انسان‌ها غلبه کند و با فعالیت‌ها و اندیشه‌هایی حاکی

لازم است که رهنمودهای یاد شده، به ویژه در موقعیت‌هایی که یک رویداد خاص و مورد توجه جامعه اتفاق می‌افتد، پذیرفته شود. رعایت انصاف و عدالت‌جویی نباید یک موضوع تجملی به‌شمار آید. مسائل ایجاد شده بر اثر عملی نشدن این فرضیه فقط در حوزه‌ی ورزش مشاهده نمی‌شود. کوبرتن ورزش را مدرسه‌ی دموکراسی و مهم‌ترین وظیفه‌ی جنبش المپیک را حمایت از دموکراسی و جهانی‌نگری بر

شمرد. به این ترتیب «آموزش المپیک» را می‌توان آموزشی جهانی‌نگر و جهان‌شمول در حوزه‌ی ورزش و به وسیله‌ی ورزش تعریف کرد. ورزش المپیک، همانند سایر ابعاد زندگی، نمادی از جهانی‌نگری و جهان‌شمولی را ارائه می‌دهد. از این رو کوبرتن بر رفتار صبورانه و «احترام متقابل» ورزشکاران سرتاسر جهان تأکید ورزیده است. به نظر وی اگر روح ورزش و بازی جوانمردانه در کالبد گردهمایی‌ها و مسابقه‌های دوستانه‌ی ورزشی دمیده شود، به برقراری صلح و فهم بین‌المللی خواهد انجامید. تفکر اساسی آموزش المپیک را که به وسیله‌ی کوبرتن بیان شده است هنوز هم می‌توان در بازی‌های المپیک و ورزش‌های المپیک یافت.

تفکری که با کمک فیلسوف‌ها و صاحب‌نظران علوم آموزشی همه‌ی نقاط جهان توسعه یافته است. شاید بتوان گفت که علت دیگر جذابیت

امروز اهمیت این سخن کوبرتن بیشتر از گذشته نمودار است که گفت: «بازار کار و یا معبد!»<sup>۱۷</sup> ورزشکاران باید یکی را انتخاب کنند. آن‌ها نمی‌توانند هر دو را برگزینند. ورزشکاران انتخاب کنید!» در سال ۱۹۲۵ برای کوبرتن دو راهی وجود نداشت. او خود یک راه، یعنی معبد را برگزید. «معبد برای همیشه خواهد ماند و هر چیز دیگر از بین می‌رود»

از همبستگی، تکمیل شود. پیاژه، که این نوع آموزش را از راه تدریس و سخنرانی امکان‌پذیر نمی‌داند، آن را «همبستگی درونی» نامیده و از «همبستگی بیرونی» جدا می‌سازد. به نظر او فقط از طریق تجربه و انجام کار عملی یعنی «خود اقتداری»<sup>۱۸</sup> و از راه شناخت یک‌دیگر، ایجاد ارتباط، همکاری و انجام کار گروهی امکان آموزش وجود دارد.



## پرنوشت

1. Coubertin
2. Avery Brundage
3. Juan Antonio Samaranch
4. Jacques Rogg
5. Carl Diem
6. Jean Ketteas
7. Ommo Grupe
8. Perfection of the self
9. Creation of the self
10. Wilhelm Schmid, 200
11. Otto Friedrich Bollnow
12. Spirit of practice
13. Mihaily Czsikszentmihalyi
14. Jean Piaget
15. quasi natural egoism
16. egocentrism
18. self government

۱۷. در یونان باستان هر یک از خدایان مسئول انجام یکی از کارهای طبیعت بودند و هر کدام معبد مخصوص به خود داشتند. منظور از این اصطلاح انجام دادن کاری مقدس بدون توجه به امور دنیوی است.

از طریق تبلیغات، نمایش، دوپینگ، تلویزیون و موارد دیگر و کمتر از طریق آموزش است. خلاصه این که همه‌ی موارد منفی، زیان آور و غیر آموزشی، مردم را با بازی‌های المپیک پیوند داده است هنوز هم بازی‌های المپیک یک عامل تجاری و تبلیغاتی و سرگرم کننده - نه یک عامل آموزشی تخصصی و فرهنگی جهانی - به‌شمار می‌آید.

کوبرتن میراثی ماندگار و ارزشمند از خود به‌جا گذاشت که آن را با عنوان ریاست کمیته‌ی بین‌المللی المپیک در مراسم تودیع‌اش در پراگ (۱۹۲۵) به اعضای کمیته‌ی بین‌المللی المپیک عرضه کرد. امروز اهمیت این سخن کوبرتن بیشتر از گذشته نمودار است که گفت:

«بازار کار و یا معبد!»<sup>۱۸</sup> ورزشکاران باید یکی را انتخاب کنند. آن‌ها نمی‌توانند هر دو را برگزینند. ورزشکاران انتخاب کنید!» در سال ۱۹۲۵ برای کوبرتن دو راهی وجود نداشت. او خود یک راه، یعنی معبد را برگزید. «معبد برای همیشه خواهد ماند و هر چیز دیگر از بین می‌رود.»

**هدف اصلی آکادمی بین‌المللی المپیک، همان‌طور که کارل دایم آن را «دانشگاه المپیزم» نامید و از سوی کمیته‌ی بین‌المللی المپیک و کمیته‌ی ملی المپیک یونان نیز تأیید و حمایت شد، مطالعه، غنی‌سازی و ترویج المپیزم است**

## نقش آموزش المپیک در نظام آموزشی نوین

تعریف خلاصه شده‌ی اصطلاح «آموزش المپیک» از منظر بین‌المللی، پداگوژی نوینی است که به گفته‌ی پیازه در قلب آن صلح و همبستگی قرار گرفته و اصول اخلاقی آن نه فقط بر مبنای استدلال عقلانی بلکه بر اساس احساس و عملکرد پی‌ریزی شده است. این پداگوژی نوین با ابزارها و روش‌هایی شناخته شده، محبوب و قابل انتشار در سرتاسر جهان، یعنی ورزش، سروکار دارد. پداگوژی ورزش در آموزش المپیک، اذهان و پیکرهای انسانی را نادیده نمی‌گیرد بلکه با یک زبان جهانی و نمادگرایی ورزشی به آن‌ها می‌پردازد. آموزش المپیک در نظام آموزش بین‌المللی و نوین نقشی غیروابسته و استثنایی ایفا می‌کند. این آموزش از طریق بازی‌های المپیک به مردم سراسر جهان ارائه می‌شود. در برخی از کشورها، آموزش المپیک با اجرای پروژه‌های تخصصی در مدارس، بخشی از نظام آموزشی عمومی را به خود اختصاص داده است. همه‌ی این اقدام‌ها برای ترویج تفکر المپیک و اهداف پداگوژیک جنبش المپیک از اهمیت بسیاری برخوردار است. مهم‌ترین نکته، انتقال پیام آموزشی از طریق بازی‌های المپیک است. در این جاست که از نگاه من، آموزش المپیک در معرض بزرگ‌ترین خطرها قرار دارد. ارتباط مردم با بازی‌های المپیک بیشتر

